

## اشعار مرحوم ژولیده نیشابوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ  
فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ  
وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُزْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَمُبْدِنًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ  
يُعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاجِي الْمَذْحُوتَاتِ  
وَجَبَّازُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ شُبُّوحٌ، رَبُّ  
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ - (بخش ۱)

به وادی خم طبق امر خدا  
خلاق به گردش، نبی بر فراز  
محمد در آن اجتماع عظیم  
سخن را بدین گونه آغاز کرد  
که یکتا و تنها و هستی نماست  
بود دولت سبط و سیر و سلوک  
حیات و مماتش بر فرمان اوست  
که او چیره باشد به پیوندگان  
به خوان عطایش سعادت وصول  
به فردای محشر بود بی شتاب  
به خلق جهان است پروردگار  
که او آفریننده ی ماسواست

به فرموده خاتم الانبیاء  
شد آماده منبر ولی از جهاز  
به ابلاغ امر خدای کریم  
چنان غنچه ای لعل لب باز کرد  
ستایش سزاوار ذات خداست  
خدایی که بر ملک هستی ملوک  
خدایی که هستی همه زان اوست  
احاطه است او کران تا کران  
بود رحمتش بر جهانی شمول  
خدایی که در انتقام عذاب  
بود مؤمنین را به کف اختیار  
ستایش به هر حال او را سزااست

أَلْعَاصِمِ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمُوفِّي لِلْمُفْلِحِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ.  
الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ).  
أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

سپاس فراوان ستایش زمن  
اطاعت از او از دل و جان کنم  
که در خط تسلیم سر می دهم  
که ترسانان از اویم در داوری  
زمکرش نماند کسی در امان  
که برکس از او ره ندارد ستم

پس او را بود این نیایش زمن  
هرآنچه که فرمان دهد آن کنم  
به خشنودیش برگ و بر می دهم  
چنان شایقم من به فرمانبری  
که او کبریایی است هستی نشان  
که عدلش شامل بیش و کم

وَأَقْرَبُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أُوْحِيَ بِهِ إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَجَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ حُلَّتُهُ - لَا إِلَاهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدَا عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّي عَلَيَّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

(بخش ۲)

که من عبد، اوست مولای من  
 به وحی خداوند لیل و النهار  
 بشیرم من ازقادر ذوالمنن  
 که نتوان کسی زو رهند مرا  
 عنانِ همه هستیم دستِ اوست  
 که فرمانِ او بهرِ نصبِ علی است  
 ننوشیده ام می به پیمانِ او  
 که فرمود بر من چنین جبرئیل  
 که گویم شما را به خُصِّمِ غدیر  
 نکردی تو تکمیل، پیغمبری  
 که پشت و پناخت خدا هست و بس  
 که نخل رسالت شود باربر  
 که اجرا کنم امر پروردگار  
 سفید و سیه را بگویم عیان  
 بود جای من را علی جانشین  
 که باشد پس از من شما را امام  
 چو هارون و موسی در این جایگاه  
 که بر امت خود کند رهبری  
 بُود او به حق رهبری ره گشا  
 که او می دهد دینِ کامل به من  
 که نور حق از قلبِ او منجلی است  
 ولی شما هست در امتیاز  
 ببخشد گدا را به حال رکوع  
 که زینت فرا بهر انگشتر است  
 علی داد انگشترش بر گدا  
 که بین شما از یسار و یمین  
 شما را به جز او ولی نیست، نیست  
 دل من بود خون زآزارشان  
 بخواند یکی زود باور مرا

گواهی دهد جمله اعضای من  
 هر آنچه وظیفه شدم عهد دار  
 به انجام اکنون رسانم که من  
 مبادا عذابِ رساند مرا  
 اگرچه مرا ذات حق هست اوست  
 خدایی که وحیش به من منجلی است  
 اگر سرپیچم ز فرمانِ او  
 ندا آمد از سوی ربِ جلیل  
 به من گشت اعلامِ امری خطیر  
 نسازی اگر احیای فرمانِ بری  
 بگو آنچه گفتیم و از کس مترس  
 هم اکنون شما را کنم با خبر  
 ز جبرئیل شد وحی بر من سه بار  
 به من امر شد تا که در این مکان  
 به هر کس منم رهبر راستین  
 خدا داده در دستِ او حکمِ تام  
 به من نسبتش هست ز امرِ اله  
 که از بعد من نیست پیغمبری  
 که بعد از خدا و نبی بر شما  
 خدا کرده این آیه نازل به من  
 علی بعد من بر شمایان ولی ست  
 هر آنکس که برپا بدارد نماز  
 ولی شما با هزاران خضوع  
 نگینی که بر ملک هستی سراسر است  
 مُسَلِّمِ بُود این عمل بر شما  
 گواهی دهم من به علم یقین  
 خدا دوست تر از علی نیست، نیست  
 ملامت بود در جهان کارشان  
 یکی می زند سنگ بر سر مرا

که اینها همه بهر من منجلی است  
تمایل بر او میل ذات خداست  
خدایی که خوانده پیمبر مرا  
دوباره به من وحی شد از خدا  
به ابلاغ امر خدا کن شتاب  
بر این راستا جای تأخیر نیست  
اگر امر ما را نسازی بیان  
بگو آنچه گفتیم از بیش و کم  
هم اکنون شما را پیام آورم

که پاداش خویشی من با علی است  
پذیرش از او اصل جلب رضاست  
علی را نموده برادر مرا  
که ای عقلِ گل، خاتم الانبیاء  
کز ابلاغ آن می شوی کامیاب  
که سر پیچی از آن زتدبیر نیست  
رسالت نکردی بی حق بی گمان  
نگهدارت خالق ذوالنعم  
پیام آور از جانب داورم

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكَ فِيهِ وَافْتَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ  
قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ  
وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ،  
وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ  
عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ، ماضٍ حُكْمُهُ، جازٍ قَوْلُهُ، نافذٌ أَمْرُهُ.  
(بخش ۳)

بدانید که این آیه در شأن اوست  
به ژرفای دل درک مطلب کنید  
که ما را به فرمان پروردگار  
به هر جا بود جای من، جای اوست  
به خیل مهاجر به انصار خویش  
به صحرا بود هر که چادر نشین  
به آزرده و برده، خرد و کبار  
به زرد و به سرخ و سیاه و سفید  
اطاعت از او بر بدی غالب است  
در این آخرین اجتماع عظیم  
بود آخرین بار ای مرد و زن  
به فرمان پروردگار مجید  
بگویم شما را که داناستم  
علی بعد من میر و مولای اوست  
چو هستی بود پای بست علی  
امامت بود عین پیغمبری  
امامت گران هدیه ی پر بهاست  
دوامش بود تا صف رستخیز

که هم اول و آخر او نکوست  
اطاعت از این گفته ی رب کنید  
بود این علی صاحب اختیار  
که اصل رسالت توالی اوست  
که آگه ضمیرند از نوش نیش  
عجم یا عرب از یسار و یمین  
به آب و به خاک و به باد و به نار  
به آنچه خدا در جهان آفرید  
توالی او بر همه واجب است  
به امر خداوند حی قدیم  
که لب می گشایم به نقد سخن  
همه گوش باشید و گردن نهید  
به هرکس که من میر و مولاستم  
که تأیید هستی به امضای اوست  
امامت بود نازِ شصت علی  
که بر نسل من می کند همسری  
که بر قلب هر شیعه فرمان رواست  
به نزد خدا و پیمبر عزیز

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ  
(عَلَيْكُمْ) وَرَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ  
إِلَيْهِ .

سپرده به من از حلال و حرام  
که از نور او عالمی منجلیست  
بشارت به درک عبادت دهم  
علی بین خوبان عالم سرآست  
خدا داده را بر علی داده ام  
که او در حریم خدا محرم است  
به حل مہمات دست خداست  
بود راستین خجّت داوری

هر آنچه خداوند عالی مقام  
همه در ید قدرت این علیست  
هم اکنون شما را بشارت دهم  
شمارید او را که او برتر است  
ز دانش هر آنچه خدا داده ام  
به پرهیزگاری علی آقدم است  
علی رهبر و سرپرست شماست  
شما را کند او به حق رهبری

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَشِيقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)،  
وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ  
وَلَا أَحَدٌ يَتْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ  
مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

کسی گوی سبقت نبرده از او  
که ایمن بماند ز قوم جهول  
بُود هَمَرِه من به گاه نماز  
که کارش خدا را پرستیدن است  
که در جای من شام هجرت بخفت  
زچنگال دشمن رهایم کند  
پذیرفته او را کند پیشوا  
که جلب رضایش، رضای خداست  
اگر چه مسلمان بُود کافر است  
شفاعت از او گر نماید رسول  
دهد کیفرش با عذاب الیم  
علی را به عالم مخالف مباش  
هر آنکس که باشد ز خَطُّش جدا

به ایمان نظیرش به عالم مجو  
علی آنکه خوابید جای رسول  
علی اولین فاتح سرفراز  
ابر مرد تاریخ کوشیدن است  
علی در طاعت به گرمی بسفت  
پذیرفت جان را فدایم کند  
بزرگش شمارید زیرا خدا  
بود او امام و رضایش به جاست  
به عالم هرآنکس به او منکر است  
نگردد به حق توبه ی او قبول  
نیامرزد او را خدای کریم  
به همراه او باش و خائف مباش  
بسوزد در آتش به امر خدا

وَمَنْ شَكَ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَنْمَةِ فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

قبول رسالت نگردیده است  
که نور امامان از او منجلیست  
مرا در مثل این علی، جان بُود  
که برتو فرستد خدایت سلام  
بُود خار، نزد خدای عزیز

چو قدر علی را نسنجیده است  
امامت پس از من از آن علیست  
که ردّ علی ردّ آنان بُود  
ز جبرئیل آمد مرا این پیام  
هر آنکس بود با علی در ستیز

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

بود سرپرستش علی تا که هست  
به ارشاد امت برابر به من  
که او رهبری پاک و آزاده است  
که از نسل او یازده گوهر است  
خدا راز قرآن و عترت شناس  
بود بین آنان جدایی محال

هر آنکس که هستم منش سرپرست  
بود او وصی و برادر به من  
که بر او ولایت خدا داده است  
علی پاک و از خلق عالم سراسر است  
به وقت پرستش به وقت سپاس  
که قرآن و عترت از این اتصال

أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَاتِحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

امیری جز او نیست بر مؤمنین  
که این واژه خواندن به غیرش خطاست  
که امرش بود امر پروردگار

خطابم بود بر شما مسلمین  
امیری علی را به عالم سزاست  
سر از خط او در جهان بر ندار

ثم قال: «ايها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ.  
فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، أَلَلَّهِمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ  
عَادَ مَنْ عَادَاهُ وَانْصَرَّ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْتَدَلَّ مَنْ حَدَلَّهُ.

(بخش ۴)

سپس رو به امت همی کرد و گفت  
به گفتند الله و پیغمبر است

چو این دُر نیاب احمد بسفت  
چه کس از شما بر شما برتر است

چو دندان شکن یافت احمد جواب  
برآنکس که او را منم سرپرست  
دعا کرد و فرمود با کردگار  
علی بعد من جانشین من است  
به هر کس که با او ستیزد ستیز  
که او بنده خالص خالق است  
علی حافظ دین و قرآن بود  
کسی که بحق ناز دارد علیست  
همانا بحق او بود مقتدا

چنین کرد با امت خود خطاب  
علی سرپرستش بود تا که هست  
که ای در جهان صاحب اختیار  
وصی و برادر قرین من است  
که او می دهد نیک از بد تمیز  
به فرمانبری خدا شایق است  
که عارف زمعیار ایمان بود  
ز بیراهت باز دارد علیست  
هدایتگران را بود پیشوا

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ الْاَيَةَ فِي عَلِيٍّ

وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيِيْنِ ذٰلِكَ وَنَضِيْكَ اِيَّاهُ لِهٰذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمْ  
الْاِسْلَامَ دِيْناً)، (وَ مَنْ يَنْتَعِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْناً فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي  
الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُكَ اَنِّيْ قَدْ بَلَّغْتُ

ولایت که کردی مرا واصلش  
که این آیه را لطف تو شامل است  
تو گفתי بگو در بر خاص و عام  
چو شیرین ز پیغام ما کام شد  
که اسلام دین جهانی بود  
بدانید شکی در این گفته نیست  
هرآنکس که سرپیچد از دین من  
عذابی مسلم بر او وافر است

الهی تو خود کرده ای ام نازلش  
که دین شما با علی کامل است  
که شد با علی نعمت ما تمام  
پسند خدا دین اسلام شد  
که هم در عیان و نهانی بود  
جز اسلام دینی پذیرفته نیست  
ز آداب و اعمال آئین من  
به فردا ز دررنده و کافر است

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنَّمَا اَكْمَلَّ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ دِيْنَكُمْ بِاِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ  
وَبِمَنْ يَقُوْمُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِيْ مَنْ ضَلَّ بِهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلٰى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فَاُولٰٓئِكَ  
الَّذِيْنَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ) وَ فِي النَّارِهِمْ خَالِدُوْنَ،  
(لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُوْنَ)  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، هٰذَا عَلَيٌّ، اَنْصُرُوْكُمْ لِيْ وَاَحْقُقْكُمْ بِيْ وَاَفْرُبْكُمْ  
اِلَيَّ وَاَعِزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ وَاَنَا عُنْهُ رٰضِيَانٌ. وَ مَا  
نَزَلْتُ اَيْهَ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) اِلَّا فِيْهِ، وَلَا خَاطَبَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِلَّا

بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا  
 شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَيَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا  
 فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ  
 (بخش ۵)

که تکمیل دین خدا را ولیستج  
 امامان بر حق زنسل علیست  
 روند از جهالت به راهی دگر  
 به فردای محشر به گل مانده اند  
 عبادت از آنان نگرده قبول  
 در آتش مخلد بود تا ابد  
 عزیز است و یار است و نزدیکتر  
 که هستیم هر دو رضا از علی  
 به شأن علی چون علی مقتداست  
 بود این علی مؤمن اولین  
 بدانید غیر از علی کس نبود  
 برات بهشت از برای شما  
 که نازل به شأن علی شد نه من  
 که همچون منی پاک پیغمبر است  
 امامان بعد از علی اوصیاست

پس از من امامت از آن علیست  
 ولایت زنسل علی منجلیست  
 کسانی که از او بپیچند سر  
 زیانکار نفس و ز در رانده اند  
 به هنگام جمع حساب حصول  
 بود رد او رد ذات احد  
 علی از شمایان به وقت خطر  
 خدا نسیت یک دم جدا از علی  
 به قرآن سخن هر کجا از رضاست  
 به هر کجا خدا گوید از مؤمنین  
 کسی که به قرآن خدایش ستود  
 به وصفش خدا داده قدر و بها  
 بود هل اتی شاهد او سخن  
 شما را کنون بخت همسنگر است  
 وصیم علی و علی مقتداست

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا  
 تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ  
 أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،  
 وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَبْغِضُ

عَلِيًّا إِلَّا الشَّقِيَّ، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيَّ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ مُخْلِصٌ وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ). مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ  
 رِسَالَتِي وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

که شیطان بود مسیر فریب  
 که او را زگلزار جنت براند

مورزید رشکی به حق حبیب  
 که در گوش آدم سخنها بخواند

که ورزیدن رشک طغیان کند  
که مانند آدم به امر حبیب  
شمایان شمائید و این آشناست  
بگویم به هرکس که باشد عزیز  
نخواهد علی را کس سرپرست  
علی سرپرست است و غمخوار و یار  
هرآنکس که بی نقص و آرایش است  
به حق خدای جهان آفرین  
که پیدا به ما این عبارت بود  
به جز صالحان ولایت مرام  
همه در زیانند غیر از علی  
گواهم بود ذات نادیده ام  
که کار رسولان به پوشیدن است  
به تقوا بکوشید در بندگی

که پا را به کردار لغزان کند  
سقوط از فرازت بود بر نشیب  
که خصم خدا در میان شماسست  
کند با علی بی سعادت ستیز  
که این کار ناید زهر بت پرست  
به پرهیزکار و به هر رستگار  
به زیر لوایش در آسایش است  
که والعصر قرآن به خلق زمین  
بشر بی علی در خسارت بود  
نخوانند او را پس از من امام  
به بیراهه رانند غیر از علی  
که پیغام او را رسانیده ام  
پیام خدا را رسانیدن است  
که بر تو ببخشد برازندگی

(بِاللَّهِ مَا عَنِيَ بِهَذِهِ الْآيَةِ الْأَقْوَمَاءَ مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ  
أَمْرِي عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ).  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِي  
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فَبِالنَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ  
الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا  
(بخش ۶)

ز اصحاب خود در کمین علی  
ولی رازشان منم پرده پوش  
عیار عمل بسته به یاری است  
بدانید ای راهیان حضور  
بود نور من نور عزوجل  
از این نور باشد به فتحاً قریب  
تجلی این نور با یک مرام  
امامی که حق خدا و رسول

شناسم من از منکرین علی  
که هر نیش نیش است و هر نوش نوش  
که از حب و بغض علی جاری است  
که نور علی آمد از من ظهور  
که در روشنایی ندارد خلل  
امامان بعد از علی را نصیب  
به مهدی موعود گردد تمام  
کند از عدو عدل و دادش وصول



مَعَاشِرِ النَّاسِ،  
أُنذِرْكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ  
أَفَأَنْ مِثُّ أَوْ قِتْلَتْ أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ  
عَلَى عَقْبِيهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ)

شد شهره بر خاتم الانبياء  
همه تابع قادر مطلقند  
شود باعث بدترین دردتان  
مبادا گذارید منت به من  
کند جمله اعمالتان را تباه

کنون بر شما ایم رسول خدا  
رسولان پیشین حق بر حق اند  
مبادا پس از من عقب گردتان  
زاسلامتان از شما مرد و زن  
که یک منّتی جهان خارتان

مَعَاشِرِ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيُخَيِّطَ  
عَمَلَكُمْ وَيَسْحَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمُرْصَادِ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي  
أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

شود آتش دوزخش شعله ور  
هماره خدایت بود در کمین  
بود پیشوایانتان در زمن  
به تزویر و نیرنگ گمراهتان  
که بیزار زآنان خدا و من است  
به فردا به دوزخ بود جایشان  
که تنها کسی نیست آن را حریف  
که اعمال ما را شما رد ثمر  
شود این امامت به زودی زود  
سپس باز نفرین بر غاصبان  
جهنم بود آتشش مستدام  
که بر حق علی و علی با خداست

هر آنکس شود منتش بارور  
بگویم شما را به علم یقین  
دهم آگهی بر شما بعد من  
که سازند از راه بیراهتان  
که این قوم جانی ترین دشمن است  
که آنان به همراه هم پایشان  
که هستند جزء صحاب صحیف  
کنون بر صحیفه نباید نظر  
به شاهی مبدل به وقت درود  
که خشم الهی به غارتگران  
که بر منکرین ولایت مدام  
که بر انس و جن روز محشر سزاست

إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ  
وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، (وَصِيْرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ  
السُّبُلَ عَنْ سَبِيلِهِ.

بود این مهم دست مولا علی  
که او هست بر حق مراد مرید  
بود بازدارنده از کید نار  
که کافر بود روی گردان او  
به گمراهیش ره نپوید گناه  
صراط علی هست خود مستقیم  
امامان پس از او دل آگاه اوست  
پس از این علی پیشوا و امام  
علی را نشان داد بر مسلمین  
چنانچه خدا خواست آن بوده ام  
همی امر و نهی خدای زمن  
به بود و نبود شما رهبرند

پس از من به فرمان رب جلی بود  
به فرمان او جمله گردان نهید  
اطاعت از او بر شما در شمار  
پیچید سر را ز فرمان او  
هرآنکس بر اهدافش آرد پناه  
به فرمان ذات خدای حکیم  
که راه من از بعد من راه اوست  
بود یازده تن به صد احتشام  
پس از حمد بی حد رسول امین  
بگفتا که سر نزد حق سوده ام  
به شأن امامان بود بعد من  
که آنان همه اولیای درند

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ،  
ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي  
مِنْ ضَلِيلِهِ أَيْمَةٌ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يُعْدِلُونَ  
(بخش ۷)

بر شما هستم صراط المستقیم  
راه فرزندان آگاه منست  
پیشوایان بشر از خاص و عام  
سوره حمد خدای لایزال  
چون خدا را شامل این سوره ام  
طبق فرمان خدای ذی منن  
ستیزندگان جملگی گم‌رهند

طبق فرمان خداوند حکیم  
بعد من راه علی راه منست  
یازده تن بعد او باشد امام  
پس قرائت کرد آن نیکو خصال  
گفت سر بر درگه حق سوده ام  
هست در شأن امامان بعد من  
امامان امین ره و آگه‌ند

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ  
 ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ  
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي  
 قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

که هستند ایمن به حصن امان  
 که آیات حق را گل باورند  
 به ایثار و رحمت برارنده اند  
 عیارش به نزد خداوند کامل است  
 قدم می گذارد به باغ بهشت  
 سلام فرشته درود ملک  
 میچید سر از خط سرنوشت  
 که باغ جنان از محب علیست  
 که بر حق بود صاحب ذوالفقار  
 بود هر که بغض علی در دلش  
 که آتش کند ناله از قهرشان  
 که او را به اعمال کیفر دهند  
 به آنان که کردند گمراهشان  
 زخشم الهی نترسیده اید  
 سخن برخلاف حق آموختید

خدا گفته در وصف ایمانیان  
 کسانی میان شمایند سرنند  
 که آنان خدا را نکو بنده اند  
 هرآنکس علی را محب دل است  
 بود چونکه پاکیزه او را سرشت  
 به توصیفشان هست سنگ محک  
 درآیید اینک به باغ بهشت  
 که این نازشست خدا و نبی است  
 گرامیست پاداش پروردگار  
 در آتش بود بی گمان منزلش  
 زبانه کشد آتش از بهرشان  
 اگر امتی را در آتش برند  
 ه نفرین برآید زدل آه شان  
 شما سفره ی قهر حق چیده اید  
 بسوزید آن سان که دل سوختید

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ وَهَادِيهَا

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ

(بخش ۸)

به نامش صفا بر عبارت دهم  
 بود روح من زینت جسم او  
 که او بر شما آخرین رهبر است  
 جهان را نماید پر عدل و داد  
 که بیدادگر خاک بر سر کند

شما را به مهدی بشارت دهم  
 بود مشتق از اسم من اسم او  
 اطاعت از او اطاعت داور است  
 زبن برکند نجل ظلم و فساد  
 جهان را ز عدلش مسخر کند

کند پاک و پاکیزه روی زمین  
که پیمانه ها او بگیرد بکف  
به هر کس به معیار انجام کار  
زسوی خدا برگزیده است او  
کلام متینش کلام خداست

به نابودی جمله ی مشرکین  
ز صهبای هستی ز دریای ژرف  
دهد مزد و پاداش در روزگار  
به عین الیقین هم رسیده است او  
ز آیات آنچه نشانه به جاست

#### مَعَاشِرَ النَّاسِ

إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي. الْأَوَائِي  
عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ  
وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. الْأَوَائِي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ  
وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا أَخَذْتُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ  
إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُلُّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتْ عَلَى نَفْسِهِ،  
وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)

(بخش ۹)

به غیر از علی نیست در روزگار  
که آنچه بگوید خدایی بود  
نشانی بود او ز هستی نشان  
علی خود نشان خدا دیدن است  
که این گفته کردگار شماسست  
ظهورش بود همچو من بی گمان  
دهم آگهی من به خرد و کبار  
که آئینه کبریایی علیست  
به پیروزی او نیابی تو دست  
بدانید تنها علی در زمین  
به کار خلائق علی داورست  
در باب قدر علی سفته ام  
علی هست رهواره رهتان  
کنون وقت آن شد که همت کنید  
بود بر شما او پس از من امام  
که بالاترین دست، دست خداست  
دل و جانتان می شود منجلی  
که پیمان او را خدا طالب است  
هرآنکس به عالم شود یار او

نماینده ذات پروردگار  
سخن های او کبرایی بود  
که آیات حق دارد از او نشان  
به عالم سزاوار بالیدن است  
علی صاحب اختیار شماسست  
برای شما حرف پیشینیان  
بود بعد من حجت کردگار  
به قلب شما روشنایی علیست  
که او را نباشد به عالم شکست  
ولی خدا هست بر مؤمنین  
که در داوری از خلائق سراسست  
که آنچه خدا گفته من گفته ام  
کند از بد و خوب آگاهتان  
علی را شنا سیده بیعت کنید  
که سرپیچی از امر او شد حرام  
ولی راه او را علی رهنماسست  
ببندید پیمان اگر با علی  
که بر هر پلیدی علی غالب است  
خدا می شود یار و غمخوار او

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ  
بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضُرْ  
وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَن مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي  
وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَن مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ  
مَعَاشِرِ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يَعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ  
وَعَزَّفْتُكُمْ إِلَيْهِمْ مِنِّي وَمِنْهُ  
(بخش ۱۰)

که در امر منکر پژوهش سزاست  
که مزد پیام رسانیدن است  
که آنرا رسانید به غائبین  
که با من در این امر سازش کنید  
نگه دار این خطبه پربها  
رسانید از من به ملک جهان  
خوش آنکس که بر درک او شائق است  
علی ساقی و نص کوثر از اوست  
بدون امامان ز روز نخست  
که قرآن به تعبیرشان منجلیست

تو را امر معروف کوشش سزاست  
ولایت سرآغاز سنجیدن است  
مخاطب شمائید ای حاضرین  
به آنکه نداند سفارش کنید  
بکوشید و باشید نزد خدا  
شما آنچه گفتم به آیندگان  
که گفتار من گفته خالق است  
که امر به معروف و منکر از اوست  
نو را هیچ کاری نگرده درست  
امامان همه نسل پاک علیست

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ،  
وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا  
عَقَدْتُ لِعَلِيِّ مِيرَالْمُؤْمِنِينَ، وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ  
عَلَى مَا أَعْلَمْتُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ. فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ  
مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَن رَبِّنَا وَرَبِّكَ  
فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ  
نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيْدِينَا عَلَى  
ذَلِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ.  
(بخش ۱۱)

فرا چون کتاب خدا خوانده ام  
که هست علی هست از هست من  
به حق، حق او را مسلم کند  
که ذریه من به هر سنگرند  
خدا اجر او را دهد معنوی

شما را بیعت فراخوانده ام  
دهید از صفا دست در دست من  
بندید پیمان که محکم کند  
امامان بعد از علی رهبرند  
هرآنکس که از من کند پیروی

به بیعت فشرده دست علی  
به عهدی که بستیم ما صادقیم  
ولایت شعار از ره بنشینیم  
که هستی عالم فدای علی  
شده سوی توحیدمان ره‌نما  
که با روح و جان تو تبعیت کنیم  
ز تو نخل اسلام ما برگرفت  
همه پیرو راه ثانی شدند

همه یکصدا در جواب نبی  
بگفتند از جان و دل تابعیم  
همه با ولایت نفس می کشیم  
بمیریم ما با ولای علی  
زگفتار تو ای رسول خدا  
به دست و زبان جمله همت کنیم  
چو اقرار ز آنان پیمبر گرفت  
به غیر از گروهی که جانی شدند

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ  
كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)  
وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يَبَايِعُ اللَّهَ، (يُدَالِلُهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)

چنین آخر خطبه آغاز کرد  
چه گوید در پیشگاه خدا  
به کنه صفاتش خرد مانده است  
به خیرش در لطف حق وا کند  
که راه علی، راه آگاهی است  
زهی بیعتش بیعت با خداست  
که دست خدا هست بالاترین  
نبی کرد بر خلق حجت تمام  
دعا کرد پیغمبر راستگو  
ز خلاق یکتا و هستی نشان

سپس لعل لب را نبی باز کرد  
شما امت خاتم الانبیاء  
خدای که ناخوانده را خوانده است  
هرآنکس که فرمانش اجرا کند  
مرو بی علی راه، گمراهی است  
علی را بیعت بسی محتواسست  
علی دست حق است در آستین  
بدین سان علی گشت بر ما امام  
به آنان که بردند فرمان او  
طلب کرد آمرزش این و آن

